



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۹۹-۱۲۶

پند پیران، معرفی دست‌نوشته‌ها و تحریر تازه و ترجمه عربی آن^۱ محمود ندیمی هرندی^۲، ته‌مینۀ عطائی کچوئی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تقدیم به استاد محمدرضا شفیعی کدکنی

چکیده

کتاب *پند پیران* براساس یک نسخه خطی محفوظ در موزه بریتانیا به همت جلال متینی تصحیح و در ۱۳۵۷ منتشر شد. نام کتاب و نام نویسنده و تاریخ تألیف آن در متن کتاب نیامده است. در این مقاله، ابتدا دست‌نوشته‌های دیگر *پند پیران* را معرفی می‌کنیم که به نام‌های «مواعظ الفردوس» و «مناقب الأولیاء» مکتوب شده است. سپس، برای نخستین بار، به تحریر تازه آن به نام «جامع الحکایات» اشاره می‌کنیم که نصرالله بن شهرالله ترمذی در قرن دهم یا یازدهم هجری نوشته است. البته به دلیل آن که نصرالله ترمذی هیچ اشاره‌ای به اصل کتاب نکرده؛ بلکه مدعی شده که حکایت‌ها را خود جمع کرده است، کار او از نوع انتحال قلمداد می‌شود. در ادامه، برای نخستین بار، ترجمه عربی *پند پیران* را به نام «حکایات الصالحین» معرفی می‌کنیم و اطلاعات و دریافت‌های تازه‌ای درباره نام اصلی *پند پیران* و نام نویسنده و تاریخ تألیف آن مطرح می‌کنیم. در پایان، با ذکر نمونه‌هایی نشان می‌دهیم که تصحیح دوباره *پند پیران* با استفاده از نسخه‌های خطی نویافته ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: *پند پیران*، *مواعظ الفردوس*، *مناقب الأولیاء*، *جامع الحکایات*، *حکایات الصالحین*.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2024.47703.2592

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): nadimi@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه پژوهش‌های زبانی و ادبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران: t.ataei@apll.ir

مقدمه

پند پیران از جمله متون کهن فارسی است که از لحاظ مفردات و ترکیبات و واژگان خاص و گزارش مجموعه‌ای از حکایت‌های صوفیان دوره نخستین، در میان متون صوفیه حائز اهمیت است. با وجود جایگاه ارزشمند پند پیران، اطلاعات دقیقی پیرامون نویسنده، تاریخ تألیف و نام اصلی آن در دست نیست. آن را از روی قرائنی مربوط به قرن پنجم دانسته‌اند. این کتاب براساس نسخه‌ای خطی محفوظ در موزه بریتانیا به همت جلال متینی تصحیح و در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

مصصح «با الهام از مقدمه آن»، نام کتاب را «پند پیران» گذاشت. در این پژوهش، برای نخستین بار، ضمن معرفی دست‌نوشته‌های دیگر پند پیران، تحریر جدید آن با عنوان «جامع الحکایات» و ترجمه عربی آن تحت عنوان «حکایات الصالحین» معرفی می‌شود. در ادامه، براساس مجموع اسناد و شواهد موجود، اطلاعات و یافته‌های تازه‌ای در خصوص نام اصلی کتاب، نویسنده و تاریخ تألیف آن ارائه می‌شود. در نهایت، با طرح نمونه‌هایی، ضرورت تصحیح مجدد پند پیران با استفاده از نسخه‌های خطی نویافته مورد تأکید قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در نسخه‌های خطی فارسی محفوظ در موزه بریتانیا، نسخه‌ای به شماره Or. 3207 نگهداری می‌شود که نخستین بار چارلز ریو^۱ در ذیل فهرست نسخه‌های خطی فارسی محفوظ در موزه بریتانیا (لندن، ۱۸۹۵ میلادی) معرفی کرد (رک. Rieu, 1895: 248-249). نام کتاب و نام مؤلف آن معلوم نیست. تاریخ کتابت نسخه نیز کاملاً روشن نیست. ریو تاریخ کتابت آن را قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) حدس زد و عبارتی را که در ترقیمه نسخه آمده است، افزوده دیگری به جز کاتب نسخه و آن را الحاقی دانست^۲ و تاریخ مضبوط در ترقیمه را سال ۷۸۶ هجری نوشت (رک. Ibid)، درحالی که احمد گلچین معانی ترقیمه این نسخه را مورخ ۹۸۶ هجری قرائت کرد:

تحریر فی يوم الاثنين من عشر الاول ربیع الاول و افقر خلائقه [و احوجهم

1. Charles Rieu

۲. احتمالاً به دلیل این که ترقیمه «به خطی جز خط نسخ متن کتاب نوشته شده است» (متینی، ۱۳۵۷: هفده).

إسحق بن محمد الحافظ سنه ست و ثمانین و تسعمائه من ید أضعف عبادالله
تعالی جامع... غفر الله له و لجميع المسلمين آمین (رک. متینی، ۱۳۵۷: هفده).
این کتاب مجموعه حکایاتی است از پارسایان و زاهدان و مشتمل بر مقدمه و بیست
باب، هر باب محتوی ده حکایت. در مقدمه کتاب آمده است: «این کتاب بر بیست باب
نهاده است، هر بابی ده حکایت، جمله دویست حکایت باشد»^۱ (پند پیران، ۱۳۵۷: ۵).
فهرست ابواب کتاب عبارت‌اند از:

باب اول: اندر خوردن حلال و نگاه داشتن؛ باب دوم: اندر ریاضت و قهر بر
نفس کردن؛ باب سوم: اندر جهد کردن و رنج بردن؛ باب چهارم: اندر ترسیدن از
خدای تعالی؛ باب پنجم: اندر نگاه داشتن زبان؛ باب ششم: اندر حکایت تایید و
سبب توبه ایشان؛ باب هفتم: اندر کرامات اولیا؛ باب هشتم: اندر دعا کردن و
اجابت شدن؛ باب نهم: اندر صدق اولیا و خبر دادن از یکدیگر؛ باب دهم: اندر
توکل کردن بر خدای تعالی؛ باب یازدهم: اندر سخاوت؛ باب دوازدهم: اندر
زهد امیران و ورع [ایشان]؛ باب سیزدهم: حکایت زنان و زهد ایشان؛ باب
چهاردهم: حکایت کودکان و کرامات ایشان؛ باب پانزدهم: حکایت بندگان
درم خرید و کرامات ایشان؛ باب شانزدهم: اندر حکایات درویشان؛ باب
هفدهم: حکایت درماندگان و فریاد رسیدن حق تعالی مر ایشان را؛ باب
هجدهم: اندر وفات اولیا و کرامات ایشان در وقت مرگ؛ باب نوزدهم: در
حکایات بزرگان که ایشان را بعد از مرگ به خواب دیده‌اند؛ باب بیستم: در
حکایات پراکنده از هر نوع (همان: ۶).

جلال متینی این کتاب را براساس همین نسخه تصحیح و در سال ۱۳۵۷ با نام «پند پیران»
در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رساند.^۲
با آن که نزدیک به نیم قرن از انتشار کتاب می‌گذرد تاکنون تحقیقات بسیار اندکی

۱. البته در نسخه بریتانیا، شمار حکایات‌ها در بیشتر باب‌ها، ده تا نیست و کتاب جمعاً شامل ۱۷۷ حکایت
است (رک. متینی، ۱۳۵۷: پانزده).

۲. صد و هجده صفحه (مقدمه مصحح) + ۲۴۰ صفحه (متن و فهرست‌ها).

پیرامون آن منتشر شده است. درباره بررسی منابع و خاستگاه حکایات پند پیران سه مقاله به دست مسلم خزلی و همکارانش منتشر شده است: «جستاری در شناخت مآخذ پند پیران» (۱۳۹۴) و «مآخذشناسی حکایات زاهدان و صوفیان قرن اول و دوم هجری، مطالعه موردی: کتاب پند پیران» (۱۳۹۵) و «کنکاشی در منابع عربی حکایات زنان زاهد و عابد در کتاب پند پیران» (۱۳۹۵). همچنین در حوزه زبان پند پیران و واژگان آن نیز محسن صادقی (۱۳۹۵) به بررسی و بیان معنی ترکیب نادر و ناشناخته «پاچه ریخته» پرداخته است.

دست‌نوشته‌های دیگر پند پیران

چنان‌که گفتیم، جلال متینی کتاب پند پیران را براساس نسخه محفوظ در موزه بریتانیا منتشر کرد. وی از نسخ دیگر این کتاب اطلاعی در دست نداشت و می‌پنداشت که نسخه موزه بریتانیا «منحصربه‌فرد» (متینی، ۱۳۵۷: هفده) است، اما امروزه ما دست‌نوشته‌های دیگری از این کتاب می‌شناسیم که هر کدام نامی دارد.

۱. مواعظ الفردوس

نسخه شماره M.C.Y.K.327 محفوظ در کتابخانه آتاتورک استانبول (رک. سبحانی، ۱۳۷۳: ۵۰۲) که در ۷۵۰ ق کتابت شده و نام کتاب در ترقیمه نسخه «مواعظ الفردوس» آمده است:

تَمَّتْ الْكِتَابُ الْمَوَاعِظُ الْفَرْدُوسُ^۱ تمام [شد] در شب نیمه شعبان به خط العبد الضَّعِيفُ الْمُحْتَاجُ جَمَالُ الدِّينِ حُسَيْنِ بْنِ مَسْعُودِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ السَّلَامِيِّ^۲ و کتب ذلک فی منتصف شعبان المعظم سنه خمسین و سبعمائِه (مواعظ الفردوس، ۷۵۰: ۳۰۵).

۱. چنین است در اصل؛ کاتب سهواً «مواعظ» را با الف و لام نوشته است. ضمناً توفیق سبحانی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه این نسخه را ذیل عنوان «المواعظ» معرفی کرده است (رک. سبحانی، ۱۳۷۳: ۵۰۲).

۲. «سلامد» گونه تغییر یافته «سلومد» است و آن «شهر مرکزی ولایت خواف بوده است» (قزوینی، ۱۳۸۵: ۲/ ۶۷) و «سلومد» را بعداً «سلامد» و سپس «سلامت» نوشته‌اند و حال «سلامی» گویند و «قدیم‌ترین قصبه خواف اینجاست» (بهار، ۱۳۸۹: ۳۵۸؛ نیز رک. لسترنج، ۱۳۹۰: ۳۸۳).

این نسخه قدیم‌ترین دست‌نوشته *پند پیران* است که می‌شناسیم و در ترقیمه آن نام کتاب و نام کاتب و تاریخ کتابت ثبت شده است. این نسخه از ابتدا افتادگی دارد و از اواخر باب اول آغاز می‌گردد. همچنین دو ورق از ماقبل برگ آخر نسخه نیز افتاده است. *مواظظ الفردوس* از نظر شمار حکایات نیز در سنجش با *پند پیران* افزود و کاست‌هایی دارد. برخی حکایت‌هایی که در *پند پیران* هست، در *مواظظ الفردوس* نیامده، اما به جای آن‌ها حکایت‌های دیگر جایگزین شده است. جمعاً ۲۲ حکایت در *مواظظ الفردوس* آمده که در *پند پیران* نیست.

۲. مناقب الأولیاء

برخی نسخ دیگر *پند پیران* با نام «مناقب الأولیاء» است و شگفت آن که به ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی: ۹۱۰ق) منسوب شده است، از جمله نسخه‌ای که در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود^۱ (رک. Blochet, 1905: 1/ 96؛ رک. Storey, 1935: I/ 213) و نسخه‌ای دیگر که در مجموعه‌ای است محفوظ در یکی از کتابخانه‌های یوگسلاوی^۲ که میکروفیلم آن به شماره ۲۹۹۸ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران محفوظ است (رک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۱/ ۷۷۹-۷۸۰؛ نیز رک. آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵: ۲۲/ ۳۲۳؛ منزوی، ۱۳۸۲: ۸/ ۹۸۹؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۱۰/ ۶۴). ما به این نسخه‌ها^۳ دسترسی نداریم

۱. نسخه یا نسخه‌های دیگری از این کتاب ظاهراً در فهرست نسخ خطی فارسی و تاجیکی کتابخانه دانشگاه دولتی لنینگراد تألیف عبدالرحمان طاهر جانف / طاهر جان اف (صص ۱۰۲ و ۲۵۴) معرفی شده است. ما به این کتاب دسترسی نداریم و آنچه گفتیم از اشاره محمدتقی دانش‌پژوه دریافت کردیم (رک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۱/ ۷۷۹-۷۸۰).

۲. مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به محل نگهداری این مجموعه و شماره آن اشاره‌ای نکرده است، اما متن مصحح یکی از رسالات مکتوب در این مجموعه را در روزبهان‌نامه منتشر کرده و در آنجا اشاره کرده است که این مجموعه در یکی از کتابخانه‌های یوگسلاوی محفوظ است (رک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۶۴).

۳. مرحوم احمد منزوی در فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، در معرفی این کتاب، تنها به همان میکروفیلم محفوظ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران اشاره کرده و آن را «یگانه نسخه آن» شمرده است (رک. منزوی، ۱۳۸۲: ۸/ ۹۸۹).

تا بتوانیم به بررسی دقیق‌تر موضوع بپردازیم. ادگار بلوشه^۱ در معرفی نسخه کتابخانه ملی فرانسه به ساختار کتاب اشاره نکرده و تنها نوشته است:

این رساله مقدمه‌ای ندارد و ما نه نام آن را می‌دانیم و نه نام نویسنده آن را. در روی نخستین برگ، عنوان «هذا کتاب مناقب الأولياء لملا حسين واعظ» را می‌خوانیم که از آن نتیجه می‌شود که آن را حسین بن علی واعظ کاشفی نوشته است، اما هیچ چیزی صحت این انتساب و عنوان «مناقب الأولياء» را ثابت نمی‌کند (Blochet, 1905: 1/ 96).

ضمناً بنابه قول بلوشه آغاز این نسخه چنین است: «قال النبي عليه السلام: شرُّ العلماء مَنْ زارَ الأمراءَ وخيرُ الأمراء مَنْ زارَ العلماء. نِعَمَ الأميرُ عَلَى بابِ الفقير» (Ibid) و حال آن که این عبارات در هیچ کدام از نسخه‌های پند پیران دیده نمی‌شود؛ از این رو، این دست‌نوشته احتمالاً با کتاب پند پیران ارتباطی ندارد، اما نسخه یوگسلاوی در «بیست باب، هر یک چند حکایت» (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۱/ ۷۷۹) است و فهرست باب‌های آن نیز با پند پیران تطابق دارد.

علاوه بر این دو نسخه، کتاب‌های دیگری با همین عنوان «مناقب الأولياء» هست که ربطی با پند پیران ندارند:

۱. مناقب الأولياء، تألیف یوسف نیسابوری که نسخه آن مورخ ۱۲۷۴ق در دارالکتب قاهره محفوظ است (رک. الطرازی، ۱۹۶۶: ۲/ ۱۸۳)؛

۲. مناقب الأولياء، کتابی در بیان مناقب و سیرت و سخنان سی و یک تن از عارفان و پارسایان که نسخه آن مورخ ۱۰۴۱ق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (رک. حائری، ۱۳۷۴: ۲۲/ ۱۲۹-۱۳۰)؛

۳. مناقب الأولياء، کتابی در شرح احوال عارفان مشهور در بیست و پنج باب که احتمالاً تألیف شیخ سعید عبدالحسن است و نسخه آن در قرن دوازدهم مکتوب شده و به شماره Or. 8037 در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (رک. Meredith-Owens, 1968: 21؛ رک. مردیت اونس، ۱۳۴۴: ۴/ ۶۵۴).

1. Edgar Blochet

جامع الحکایات، تحریر تازه پند پیران

جست‌وجو برای یافتن کتاب‌هایی با همان ساختار و تبویب و تقسیم‌بندی پند پیران، زمینه‌ساز کشف این همانی جامع الحکایات و پند پیران شد. نصرالله بن شهرالله ترمذی در قرن دهم یا یازدهم هجری^۱ پند پیران را بازنویسی کرده و آن را با نام جامع الحکایات به خود بسته است. دست‌نوشته آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۷۷۹۲ محفوظ است (رک. حسینی اشکوری، ۱۳۹۱: ۵۸/۴۹؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۳/۵۵۱). این نسخه جزء دوم مجموعه‌ای است مشتمل بر دو کتاب: ۱. مصابیح القلوب، تألیف ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در ۷۵۷ق)؛ ۲. جامع الحکایات، هر دو کتاب ظاهراً به دست یک کاتب کتابت شده است. ترقیمه کاتب در پایان مصابیح القلوب مورخ ۱۰۴۲ق است:

تمت الكتاب المصابيح القلوب^۲ بعون الله الملك العلام الغيوب في تاريخ يوم الاثنين پنجم شهر شعبان المعظم سنة أربعين و اثني بعد ألف من الهجرة النبوية (ابوسعید سبزواری، ۱۰۴۲: ۱۲۲).

از این رو زمان کتابت جامع الحکایات هم باید حوالی همین تاریخ باشد. در کتاب اخیر «باب بیستم به کلی افتاده و باب نوزدهم نیز اوراقش فرسودگی یا موریانه‌خوردگی دارد» (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۹۶: ۱). علیرضا ذکاوتی قراگزلو این نسخه را تصحیح کرده، اما وی به نسخه پایبندی نشان نداده و متن را با «گزینش» و تصرفات فراوان منتشر کرده است. در واقع جامع الحکایات تحریر تازه پند پیران است با تصرفاتی در آن، از جمله آن که بعضی از حکایت‌ها یا نام بعضی از اشخاص را تغییر داده است و در پایان بسیاری از حکایت‌ها اشعاری افزوده است. بیشتر تغییرات متن به تناسب تحولات ایدئولوژیک و سیاسی ایران در قرن‌های دهم و یازدهم است. نصرالله ترمذی به کتاب صبغة شیعی داده و

۱. نصرالله ترمذی در دیباچه جامع الحکایات ابیاتی از اهلی شیرازی (۹۴۲-۸۵۸ق) را نقل کرده است. از طرفی دست‌نوشته آن مورخ ۱۰۴۲ق است؛ بنابراین وی این کتاب را در قرن دهم یا یازدهم هجری تحریر کرده است.

۲. چنین است در اصل، کاتب سهواً «مصباح» را با الف و لام نوشته است. ضمناً مصابیح القلوب با تصحیح و تحقیق محمد سپهری در سال ۱۳۸۳ توسط مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شده است.

کوشیده است با لحنی اغراق‌آمیز آن را پُررنگ کند. اما آنچه جای شگفتی است آن است که نصرالله ترمذی به عنوان «مُصَنَّف» و «مرتب» کتاب معرفی شده است. نصرالله ترمذی نه تنها هیچ اشاره‌ای به اصل کتاب نکرده، بلکه مدعی شده که حکایت‌ها را خود جمع کرده است و به همین دلیل، کار او از نوع انتقال قلمداد می‌شود. در مقدمه کتاب چنین آمده است:

بعد از تلاوت قرآن عظیم و قرائت احادیث رسول کریم، واجب و لازم است خواندن حکایات و سیرت انبیا و روایات سلوک اولیا و مشایخ باصفا. مُصَنَّف این کتاب و مرتب این ابواب، نصرالله بن شهرالله ترمذی علیه الرحمه و الغفران گفت: بنا بر [این دلیل]، حکایتی چند از حالات انبیا، روایتی چند از مقامات اولیا و صحابه رسول خدا و تابعین و تبع تابعین و سلوک مردان دین و بزرگان صاحب یقین از ذکور و اُنث و صغیر و کبیر و حُر و عبید جمع کردم و او را جامع الحکایات نام کردم (نصرالله ترمذی، ۱۰۴۲: ۱۲۳ پ؛ همو، ۱۳۹۶: ۳).
جامع الحکایات (تا پایان باب نوزدهم) ۳۸ حکایت تازه دارد که به جای آن‌ها در پند پیران یا حکایتی دیگر آمده یا آن که چیزی نیامده است.^۱

شرح جامع الحکایات

یکی از عالمان عصر فتحعلی‌شاه قاجار به نام شیخ غلامرضا آران‌ی کاشانی (۱۲۶۵-۱۱۹۲ق) کتابی به نام «فَلَانِدُ اللَّالِی» را در شرح جامع الحکایات نصرالله ترمذی تألیف کرده است (رک. آقابزرگ طهرانی، ۱۳۵۵: ۱۷/۱۶۴). روش او چنان است که در هر بخش متن جامع الحکایات را عیناً نقل می‌کند و سپس خود چیزی بر آن می‌افزاید. او روش خود را این‌گونه توصیف کرده است:

طریقه ما در این کتاب آن است که هر حکایتی که نوشته می‌شود، بعد از آن هر چه به خاطر [اصل: خواطر] رسد بر وجه استعجال بر آن منوال اشاره می‌شود...
طریقه ما این است که در این کتاب کلام او [= نصرالله ترمذی] را اول نقل کنیم

۱. در مقاله‌ای دیگر به تفصیل به موضوع انتحالی بودن جامع الحکایات و سنجش آن با پند پیران پرداخته‌ایم.

و من بعد به عنوان عبارت «جامع مختصر» آنچه به خاطر [اصل: خواطر] رسد اشاره می‌رود (آرانی کاشانی، ۱۲۴۹: ۶-۷).

وی در مقدمه کتابش فتحعلی‌شاه را ستوده است. گاهی در افزوده‌های او اشاره‌های جالب تاریخی-اجتماعی دیده می‌شود. برای نمونه پس از نخستین حکایت کتاب (برای مطالعه آن در جامع الحکایات، رک. نصرالله ترمذی، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۱) نوشته است: از اتفاقات گذارم به دفتر فتحعلی‌شاه قاجار افتاد و در آنجا چند لقمه خوردم از حلیمی و مربای سیبی. با نهایت فقری که داشتم، قریب به مدت چهل روز دیگر از خضوع بازماندم و نتوانستم که گریه کنم (آرانی کاشانی، ۱۲۴۹: ۲۵). در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) پنج نسخه از این کتاب معرفی شده است (رک. درایتی، ۱۳۸۹: ۸ / ۲۷۱) و استفاده از آن‌ها برای تصحیح مجدد جامع الحکایات، به‌ویژه برای تکمیل افتادگی‌های باب‌های نوزدهم و بیستم آن ضرورت دارد.

حکایات الصالحین، ترجمه عربی پند پیران

حکایات الصالحین کتابی است به زبان عربی مشتمل بر بیست باب و هر باب ده حکایت از پارسایان و زاهدان. ما از کم‌وکیف نسخه خطی آن اطلاعی به دست نیاوردیم. تصویری از چاپ سنگی آن را در اختیار داریم که به فرمایش تاجران اهل الله احمد جامی و عبدالعزیز و فقیرالله و به اهتمام سید فصل‌شاه (لاهور: مطبع افصل، ۱۲۸۲: ۱۰۸) منتشر شده است. ماده تاریخ سال چاپ کتاب در صفحه آخر آن آمده است:

برای تاریخ طبع جستم ز نام پاکش تیمن و زیب دوبار هاتف به گوشم «زه حکایات صالحین» گفت (حکایات الصالحین، ۱۲۸۲: ۱۰۸)

که «زه حکایات صالحین» برابر با ۶۴۱ است و دوبرابر آن همان سال چاپ کتاب (۱۲۸۲ق) می‌شود. در این چاپ بعضی کلمات و عبارات عربی در هامش به فارسی ترجمه شده است. چاپ دیگر آن در سال ۱۲۸۹ق منتشر شده است و چاپ اخیر را ادوارد ادواردز^۱ و خانبابا مشار و چارلز امبروز استوری^۲ و عارف نوشاهی معرفی کرده‌اند (رک.

1. Edward Edwards

2. Charles Ambrose Storey

Storey, 1972: I/ 1056؛ Edwards, 1922: 715؛ مشار، ۱۳۵۰: ۲/ ۱۷۸۹؛ نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۳۹۰).

نام مؤلف یا مترجم و زمان تألیف یا ترجمه حکایات الصالحین عربی معلوم نیست. در مقدمه کوتاه کتاب نیز نام کتاب ذکر شده، اما هیچ اشاره‌ای به نام مؤلف یا مترجم نشده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الصَّالِحِينَ سَبَبًا لِنَجَاةِ الطَّالِحِينَ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَاصْحَابِهِ الطَّيِّبِينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. أَمَّا بَعْدُ، فَهَذِهِ رِسَالَةٌ مُشْتَمِلَةٌ عَلَى سِيرِ الصَّالِحِينَ وَأَحْوَالِهِمْ تُسَمَّى بِحِكَايَةِ الصَّالِحِينَ، وَفِيهَا عِشْرُونَ بَابًا وَفِي كُلِّ بَابٍ عَشْرُ حِكَايَاتٍ (حکایات الصالحین، ۱۲۸۲: ۲).

قدیم‌ترین اطلاعی که درباره آن به دست آوردیم مربوط به سال ۱۰۶۰ق است. حبیب رکن‌الدین پهواری قریشی در سال ۱۰۶۰ق در شبه‌قاره هند حکایات الصالحین را به فارسی ترجمه کرده است (رک. ادامه مقاله).

از طرفی حاجی خلیفه (متوفی: ۱۰۶۷ق) به کتابی با همین نام و موضوع و طرح و ساختار اما به زبان فارسی اشاره کرده است:

حکایات الصالحین: فارسی للشیخ عثمان بن عمر الکَهِف، رَتَّبَ عَلَى عِشْرِينَ بَابًا، فِي كُلِّ بَابٍ مِنْهَا عَشْرُ حِكَايَاتٍ (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۱/ ۶۷۴).

هرچند کتابی فارسی با عنوان حکایات الصالحین که از عثمان بن عمر الکَهِف باشد شناخته نشده است و هرچند در کتاب حکایات الصالحین عربی نیز اشاره‌ای به نام مؤلف یا مترجم یا این که کتاب ترجمه از فارسی باشد وجود ندارد، اما با توجه به سخن حاجی خلیفه، ادوارد ادواردز در فهرست کتاب‌های چاپی موزۀ بریتانیا (رک. Edwards, 1922: 715) و چارلز امبروز استوری در کتاب ادبیات فارسی (رک. Storey, 1972: I/ 1056) و عارف نوشاهی در کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره (رک. نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۳۹۰)، در معرفی چاپ سنگی حکایات الصالحین عربی، آن را ترجمه حکایات الصالحین فارسی دانسته‌اند.^۱

۱. ظاهراً به دلیل یکسانی نام و طرح و ساختار حکایات الصالحین عربی با حکایات الصالحین فارسی عثمان بن عمر الکَهِف.

چنان که پیداست، *پند پیران* نیز طرح و ساختاری دقیقاً مشابه با *حکایات الصالحین* عثمان بن عمر الکهف دارد. تاکنون کسی به رابطه *پند پیران* و *حکایات الصالحین* عربی اشاره‌ای نکرده است. ما از روی مشابَهتِ طرح و ساختار این دو کتاب و سنجش آن دو با یکدیگر، کشف کردیم که این دو کتاب برابر یکدیگرند و مسلماً یکی ترجمه دیگری است و به احتمال قوی کتاب از فارسی به عربی رفته است. در آغاز هر دو کتاب مقدمه‌ای آمده است، البته این مقدمه در *پند پیران* اندکی مفصل‌تر است. *پند پیران* با آخرین حکایت باب بیستم و بدون خاتمه‌ای پایان می‌یابد، در حالی که *حکایات الصالحین* با خاتمه‌ای کوتاه پایان یافته است، اما آنچه در خاتمه آن آمده در واقع برابر عربی بخشی دیگر از مقدمه *پند پیران* است. از آنجا که *پند پیران* مقدمه دارد؛ ولی خاتمه‌ای ندارد، ظاهراً مترجم عربی با جابه‌جایی بخشی از مقدمه کتاب به پایان آن، خواسته تا خاتمه‌ای برای آن تدارک کند.

حکایات الصالحین نسبت به *پند پیران* گاهی در حضور و غیاب حکایت‌ها یا ترتیب آن‌ها یا افزود و کاست اشعار تفاوت‌هایی جزئی دارد. در *پند پیران* سه حکایت^۱ هست که در *حکایات الصالحین* نیست و در *حکایات الصالحین* ۲۲ حکایت آمده که در *پند پیران* نیامده است. شماری از این حکایت‌ها مربوط به باب بیستم است که در آن باب در *پند پیران* تنها دو حکایت آمده است.

ترجمه حکایات الصالحین به فارسی

در قرن یازدهم هجری در شبه‌قاره هند، حبیب رکن‌الدین پهواری قریشی^۲ *حکایات الصالحین* عربی را در ۱۰۶۰ق به فارسی ترجمه کرده است. شگفت آن که نام کتاب در دیباچه این ترجمه «حکایات الصالحین» است، اما در خاتمه آن «جامع الحکایات» آمده است (رک. منزوی، ۱۳۶۵: ۶/۱۰۰۶). همین دوگانگی نشان می‌دهد که در قرن یازدهم هجری این کتاب به هر دو نام معروف بوده است. نسخه‌ای از این ترجمه در کتابخانه دانشگاه کمبریج مورخ ۱۲۱۷ق و نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه ملی فرانسه مورخ

۱. حکایت بقیه بن ولید (رک. *پند پیران*، ۱۳۵۷: ۵۷) و حکایت مالک دینار وقتی که بیمار شد (رک. همان:

۱۷۴) و حکایت مردی شامی که به دست کافران کشته شد (رک. همان: ۱۸۷).

۲. پهوار: از بخش‌های لوهری سند پاکستان است (رک. منزوی، ۱۳۶۵: ۶/۱۰۰۶).

۱۱۰ / پند پیران، معرفی دست‌نوشته‌ها و تحریر تازه و ترجمه عربی آن / ندیمی رهندی و ...

۱۲۲۸ق و دو نسخه دیگر در کتابخانه گنج‌بخش اسلام‌آباد پاکستان نگهداری می‌شود (رک. Blochet, 1934: 4/ 88; Browne, 1922: 71؛ رک. منزوی، ۱۳۶۵: ۶/ ۱۰۰۷-۱۰۰۶؛ رک. Storey, 1972: I/ 1004).

ما به این کتاب دسترسی نداریم. مرحوم احمد منزوی در کتاب فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، آغاز ترجمه حبیب رکن‌الدین و فهرست ابواب و آغاز باب پنجم آن را براساس یکی از نسخه‌های کتابخانه گنج‌بخش نقل کرده است. ما آغاز باب پنجم هر سه کتاب را در جدول ۱ نقل می‌کنیم تا مجال سنجش آن‌ها برای محققان فراهم باشد.

جدول ۱. آغاز باب پنجم در هر سه کتاب

پند پیران	حکایات الصالحین	ترجمه حکایات الصالحین
باب پنجم: اندر نگاه داشتن زبان	الباب الخامس: فی حفظ اللسان و ترک الأذى	باب پنجم: در حفظ زبان و ترک آزار
حکایت: گویند حسن بن سفیان ^۱ رحمه الله علیه روزی با شاگردان خود می‌گذشت، خانه‌ای را دید نو کرده. با شاگردی از شاگردان خود گفت که این خانه نو بنا کرده است؟ پس در وقت پشیمان شد و گفت (پند پیران، ۱۳۵۷: ۳۸)	الحکایه: قیل إنَّ حَسَنَ بْنَ أَبِي سَنانَ كانَ يَمْشِي يَوْمًا مَعَ أَصْحابِهِ فَرَأَى داراً جَدِيدَةً فَسَأَلَ أَحَدًا مِنْ أَصْحابِهِ وَقَالَ: مَنْ بَنَى هَذِهِ الدَّارَ؟ ما رَأَيْتُهَا قَطُّ. ثُمَّ نَدِمَ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ (حکایات الصالحین، ۱۲۸۲: ۱۸).	حکایت: آورده‌اند که شیخ حسن بن ابی‌ستان ^۲ روزی با مریدان خویش در بازار می‌رفت. اتفاقاً در جایی دیواری نو در نظرش آمد. یکی از یاران را پرسید که این دیوار کی برآورده‌اند؟ که پیش از این ندیده بودم. این بگفت و پشیمان شد و با نفس خود گفت (رک. منزوی، ۱۳۶۵: ۶/ ۱۰۰۶).

۱. چنین است در اصل، سهواً به جای حسان بن ابی سنان. (یکی از مصادیق خطاهای پند پیران که ضرورت تصحیح مجدد آن را اثبات می‌کند).

۲. چنین است در اصل، سهواً به جای حسان بن ابی سنان.

نام اصلی کتاب پند پیران و نام نویسنده آن

چنان که دیدیم، کتاب *پند پیران* در نسخ خطی گوناگون به نام‌های «مواعظ الفردوس»، «مناقب الأولیاء»، «جامع الحکایات» و «حکایات الصالحین» آمده است. این که نام اصلی آن چه بوده هنوز برای ما نامعلوم است و براساس شواهد موجود نمی‌توان به قطع و یقین یکی از این اسامی را نام اصلی آن تعیین کرد، زیرا از طرفی، در اقدم نسخ به نام «مواعظ الفردوس» آمده است و از طرف دیگر، حاجی خلیفه در *کشف الظنون*، به کتابی فارسی به نام «حکایات الصالحین» و دقیقاً با همین موضوع و ساختار *پند پیران* اشاره کرده است و اتفاقاً نام ترجمه عربی آن نیز «حکایات الصالحین» است؛ از این رو احتمال دارد حکایات *الصالحین* شیخ عثمان بن عمر الکهف همان *پند پیران* باشد.^۱ ضمناً پس از اخذ گواهی پذیرش مقاله حاضر، در جریان پژوهش‌های خود متوجه شدیم که مرحوم ایرج افشار نیز سال‌ها پیش احتمال داده است که *پند پیران* همان حکایات *الصالحین* عثمان بن عمر الکهف باشد. (رک. افشار، ۱۳۸۲: ۱۵)

تاریخ تألیف پند پیران

چنان که گفتیم، در متن موجود کتاب، اشاره مستقیمی به تاریخ تألیف آن نشده است. نخستین کسی که درباره تاریخ تألیف کتاب اظهارنظر کرد چارلز ریو است. او تألیف کتاب را مربوط به قرن پنجم هجری دانست، زیرا هم حکایت‌های کتاب مربوط به پیامبر (ص) و خلفای راشدین و پارسایان و صوفیان سه قرن اول هجری است، مانند مالک دینار (متوفی: ۱۳۰ق)، ابراهیم ادهم (متوفی: ۱۶۱ق)، ذوالنون مصری (متوفی: ۲۴۵ق)، بایزید بسطامی (متوفی: ۲۶۱ق)، جنید بغدادی (متوفی: ۲۷۰ق)، سهل بن عبدالله تستری (متوفی: ۲۸۳ق)، ابراهیم بن شیبان (متوفی: ۳۰۷ق) و غیره و هم آخرین مرجعی که از او سخنی نقل شده ابوسعید خرقوشی^۲ (متوفی: ۴۰۶ یا ۴۰۷ق) است و نیز از اثر او با عنوان

۱. ادوارد زاخائو (Eduard Sachau) و هرمان اته (Hermann Ethe) احتمال داده‌اند حکایات *الصالحین* عثمان بن عمر الکهف ترجمه فارسی کتاب «تکمله روض الریاحین فی حکایات الصالحین» تألیف امام یافعی (متوفی: ۷۶۸ یا ۷۷۱ق) باشد (رک. Sachau-Ethe, 1889: 179-180).

۲. در این عبارت: «چنین حکایت کند خواجه ابوسعید خرقوشی از ذوالنون مصری» (رک. پند پیران، ۱۳۵۷: ۶۱). در *مواعظ الفردوس* صریحاً به نام مأخذ اشاره شده است: «در کتاب *شعار الصالحین* حکایت

شعار الصالحین^۱ نام رفته است (رک. Rieu, 1895: 248-249).

پس از ریو، جلال متینی با توجه به همین قرائن و این که مؤلف نامی از ابوسعید ابوالخیر (متوفی: ۴۴۰ق) نبرده است، تاریخ تألیف پند پیران را «یقیناً پس از زمان تألیف کتاب شعار الصالحین» و «احتمالاً پیش از شهرت» ابوسعید ابوالخیر حدس زد (رک. متینی، ۱۳۵۷: چهارده) و بنابر اسلوب نثر کتاب، آن را مربوط به قرن پنجم دانست و نوشت: «اسلوب نگارش کتاب از این حقیقت حکایت می‌کند که پند پیران ظاهراً بایست در قرن پنجم هجری تألیف شده باشد یا نویسنده‌ای پس از قرن پنجم به شیوه نگارش متداول در قرن پنجم آن را به رشته تحریر درآورده باشد» (همان).

جلال متینی همچنین به دلیل آن که پانزده حکایت نخست رساله «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم»^۲ دقیقاً با ترتیب و نثری مشابه^۳ با پانزده حکایت^۴ از باب‌های هفتم و هشتم پند پیران است، رساله «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم» را تحت تأثیر پند پیران

کرده است خواجه ابوسعید خرگوشی از خواجه ذی‌النون مصری «مواعظ الفردوس، ۷۵۰: ۹۴). شعار الصالحین امروزه از کتاب‌های مفقودالآثر خرگوشی است، اما محمودبن‌احمد فاریابی (متوفی: ۶۰۷ق) در خالصه الحقائق (فاریابی، ۲۰۰۰: ۸۹۶/۲) از آن نام برده و حاجی خلیفه نیز آن را در کشف الظنون معرفی کرده است (رک. حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۱۰۴۷/۲).

۱. در این عبارت: «در کتاب شعار الصالحین چنین آورده است که یکی از پیران» (رک. پند پیران، ۱۳۵۷: ۷۲).

۲. این رساله در مجموعه شماره ۹۹ Ms. Orient. fol 99 محفوظ در کتابخانه دولتی برلین آلمان مورخ ۵۴۳ق مکتوب است. نویسنده آن گمنام و ناشناخته است. این رساله جمعاً مشتمل بر چهل و هشت حکایت است. به کوشش احمدعلی رجایی [بخارایی] در کتابی با عنوان «مُنتخب رونق المَجَالس و بستان العارفین و تُحفه المریدین» منتشر شده است (رک. حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم، ۱۳۵۴: ۲۸۸-۲۴۵).

۳. شباهت در اسلوب نویسندگی در حکایت‌های مشترک این دو کتاب مشهود است. جلال متینی حکایت اویس قرنی و حکایت اُم‌ایمن را از هر دو کتاب در جدولی برابر هم نقل کرده است و نشان داده است که «سبک نگارش این دو حکایت در رساله «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم» به شیوه نگارش این دو حکایت در کتاب پند پیران بسیار شبیه و نزدیک است» (متینی، ۱۳۵۷: بیست و هشت، سی و دو).

۴. علاوه بر این پانزده حکایت، یازده حکایت دیگر از باب‌های نهم تا سیزدهم پند پیران نیز با حکایت‌های شانزدهم تا بیست و ششم رساله «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم» مشترک است (رک. متینی، ۱۳۵۷: بیست و هفت).

دانست و از آنجا که تاریخ کتابت نسخه خطی «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم» ۵۴۳ق است، تاریخ تألیف *پند پیران* را پیش از این تاریخ پنداشت (رک. متینی، ۱۳۵۷: نوزده، سی و سه). البته به نظر ما این احتمال هم هست که *پند پیران* از روی رساله «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم» نوشته شده باشد یا آن که هر دو از مأخذی مشترک نقل کرده باشند.

علاوه بر این موارد، قرائن دیگری دال بر کهن بودن کتاب هست و آن اشاره‌های مؤلف به یکی دیگر از منابع خود است. در باب هشتم نسخه *مواعظ الفردوس*: «ابواسحاق ثعالبی گفت در کتاب ربیع: چنین حکایت کرده‌اند»^۱ (مواعظ الفردوس، ۷۵۰: ۱۲۹). ربیع المذکرین^۲ تألیف ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری (متوفی: ۴۲۷ق) است و از این رو می‌توان احتمال داد که *پند پیران* پس از ۴۲۷ق تألیف شده باشد. ضمناً در پایان باب پانزدهم *پند پیران* رباعی ذیل آمده است:

ای بی‌خبر از دو دیده پُرنم دوست پُرخون کردی دلی که مهر تو در اوست
با دوست بگو: کسی چنین کار کند کز غم بگُشی هر که تو را دارد دوست
(پند پیران، ۱۳۵۷: ۱۵۰)

اما به دلیل آن که این رباعی در هیچ کدام از نسخ دیگر (مواعظ الفردوس، جامع الحکایات و حکایات الصالحین) نیامده است و همچنین به دلیل آن که این رباعی احتمالاً از اثیرالدین اخسیکتی (متوفی: ۶۰۹ق)^۳ باشد، بنابراین نمی‌تواند در *پند پیران* اصیل باشد و

۱. این حکایت در *پند پیران* نیامده است و در حکایات الصالحین بدون ذکر مأخذ و در جامع الحکایات به نقل از «ابواسحاق شبی» (سهواً به جای ابواسحاق ثعلبی) آمده است (رک. حکایات الصالحین، ۱۲۸۲: ۳۷؛ نصرالله ترمذی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

۲. امروزه نسخه‌ای از ربیع المذکرین شناخته نشده است و همین حکایت که در مواعظ الفردوس نقل شده می‌تواند در بازسازی آن کتاب سودمند باشد. یاقوت حموی و چند تن دیگر از قدما از ربیع المذکرین یاد کرده‌اند (رک. حموی، ۱۹۹۳: ۵/۳۸؛ رک. حاج منوچهری، ۱۳۸۸: ۱۷/۵۱).

۳. از آنجا که مصراع‌های دوم و چهارم رباعی *پند پیران* با مصراع‌های اول و چهارم یکی از رباعیات اثیرالدین اخسیکتی یکسان است (با اندکی تفاوت):

پُرخون داری دلی که مهر تو در اوست و آن‌گه به دلت بنگذرد کین نه نکوست

باید افزوده کاتب باشد.

ضرورت تصحیح مجدد پند پیران

چنان‌که گفتیم، کتاب *پند پیران* براساس نسخه موزه بریتانیا تصحیح و منتشر شد. اوراق این نسخه خطی ظاهراً کامل است اما متن آن نامضبوط است و اغلاط و سهوهای گوناگونی به قلم کاتب راه یافته است. به همین دلیل مصحح در سراسر متن به تصحیحات قیاسی فراوانی دست زده است، اما علی‌رغم دقت فراوان او، باز مواردی همچنان مبهم و نادرست باقی مانده است. در بعضی موارد کاتب جاهایی را انداخته و تصحیح آنجاها به دلیل دسترسی نداشتن مصحح به اسناد کافی ممکن نبوده است.

مصحح در پانویس‌های کتاب به این موارد اشاره کرده و همچنین در «فهرست لغات و ترکیبات» با درج علامت پرسش در برابر موارد مشکوک و مبهم، راه تحقیق را برای آیندگان باز گذاشته است. با توجه به این که اکنون دست‌نوشته‌های دیگری از *پند پیران* شناخته شده و تحریر تازه و ترجمه عربی آن نیز در دسترس است^۱، می‌توان به کمک همه این‌ها و دیگر منابع جنبی، تصحیح دقیق‌تری از این کتاب ارائه داد. در ادامه، با ذکر نمونه‌هایی، لزوم تصحیح مجدد *پند پیران* را نشان می‌دهیم.

در حکایتی در باب چهاردهم *پند پیران* آمده است که خواجه منصور عمار وقتی به غزو می‌رفت، در راه زنی نزد او آمد و

دست در بارندادن کرد و پاره‌ای موی از آنجا بیرون آورد (پند پیران، ۱۳۵۷:

۱۲۵).

ای جان و جهان تو را نه این عادت و خوست کز غم بکشی هر که تو را دارد دوست

(شروانی، ۱۳۶۶: ۲۷۸؛ میرافضلی، ۱۳۹۴: ۲۸۹)

و از آنجا که «بخش قابل توجهی از اشعار اثیر را رباعیات او تشکیل می‌دهد» (میرافضلی، ۱۳۹۴: ۲۰۴) و رباعیات او «جایگاه اثیر را به گونه یک شاعر رباعی سرای توانمند نشان می‌دهد» (همان)، می‌تواند رباعی مندرج در *پند پیران* نیز از اثیرالدین اخسیکتی باشد.

۱. در مقاله‌ای دیگر به تفصیل درباره نقش و اهمیت حکایات الصالحین در تصحیح مجدد *پند پیران* سخن گفته‌ایم.

کلمه «بارندان» در عبارت فوق ناشناخته است و مصحح نیز در فهرست لغات و ترکیبات متن (ص ۲۰۳) مقابل آن نشانه پرسش «؟» گذاشته است. این عبارت در نسخ دیگر به شکل های ذیل آمده است:

در *مواعظ الفردوس*:

دست در بادبان کرد، پاره ای موی از آنجا باز کرد (مواعظ الفردوس، ۷۵۰: ۲۰۲).

در *جامع الحکایات*:

دست در جیب کرد، پاره ای مو بر آورد (نصرالله ترمذی، ۱۰۴۲: ۱۹۴؛ همو، ۱۳۹۶: ۲۱۶).

در *حکایات الصالحین*:

فَأَدْخَلَتْ يَدَيْهَا فِي جَيْبِهَا وَأَخْرَجَتْ قِطْعَةً مِنَ الْخَرِيرِ فِيهَا شَعْرٌ (حکایات الصالحین، ۱۲۸۲: ۵۷).

چنان که پیداست، در *مواعظ الفردوس* «بادبان» ضبط شده و در دو کتاب دیگر «جیب» آمده است و معادل فارسی «جیب» که ریختی مشابه با کلمه مبهم *پند پیران* دارد همان «بادبان» است. بادبان کیسه مانندی بوده است که در پیراهن یا کُرته مردانه و زنانه در قسمت پهلوی یا سینه می دوخته اند تا در آن چیزهایی مانند پول، عطریات و کلید و... بگذارند (برای شواهد این لغت، رک. ندیمی هرنندی و عطائی کچوئی، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۱۱)؛ بنابراین «بارندان» صورت تحریف شده «بادبان» یا یکی از گونه های آن «بازبان» (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶: ۴ / ۱۰۳۸)، «بازوان» (ابوسعید میدانی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۰۹) و «پاداوان» (همان) است.

در باب هجدهم *پند پیران* حکایت ذیل آمده است:

یکی از بزرگان دین حکایت کند که: وقتی نشسته بودم، جوانکی در آمد، گفت: ای شیخ، مرده دانی شستن؟ گفتم: بلی. گفت: رنجه شو که به این خانه یکی مرده است تا بشویی. با او رفتم تا در خانه او. در خانه رفت. من در عقب او رفتم. آن جوانک خفته بود و مرده. دانستم که این مردی بزرگ است. زود برخاستم و کار او بساختم و او را بشستم. چون خواستم که در کفن پیچم، چشم

باز کرد و در روی من بخندید و آن روز به غایت گرم بود. گفتم: سبحان‌الله، کاشک خنک‌تر بودی تا او را دفن کنیم. زمانی بود. خواب بر من غلبه کرد. به خواب دیدم که در میان گورستان قُبه‌ای زده از گوهر و نور از آن می‌تافت، چنان که از فروغ آن جهان روشن می‌شد. ناگاه آن گوهر بشکافت و حوری از آن قُبه بیرون آمد که هرگز چشم هیچ بنی آدم چنان ندیده بود. روی به من کرد و گفت: این جوانمرد را از من باز خواهی داشت. برخیز و هرچند زودتر او را به من رسان. از خواب بیدار شدم، لرزه بر اندام من افتاد. سبک ترتیب ساختم و او را در آنجا که قُبه دیده بودم دفن کردم (پند پیران، ۱۳۵۷: ۱۸۰).

در این حکایت، یکی از بزرگان دین برای شستن جسد جوانی حاضر می‌شود. در حین تکفین او، مرده لبخندی می‌زند. از این پس در روایت داستان انقطاعی به نظر می‌رسد و دنباله حکایت با آن چندان سازگار نیست. در سنجش متن با نسخه‌های دیگر دریافتیم که در اصل، دو حکایت جداگانه بوده است که در پند پیران، ظاهراً بر اثر افتادگی پایان حکایت نخست و آغاز حکایت دوم، در هم ادغام شده است. پایان حکایت نخست در نسخ دیگر چنین است:

در مواعظ الفردوس:

در روی من بخندید. گفتم: سبحان‌الله، اگر مرده‌ای چشم بر هم نه و اگر زنده‌ای برخیز. گفت: ای شیخ، ندانی که دوستان خدای نمیرند ولیکن از سرایی به سرایی نقل کنند. این بگفت و باز چشم بر هم نهاد (مواعظ الفردوس، ۷۵۰: ۲۷۴).

در جامع‌الحکایات:

در روی من بخندید. گفتم: سبحان‌الله، اگر مرده‌ای چشم بر هم نه و اگر زنده‌ای برخیز. جوان گفت: ای شیخ، ندانی که دوستان خدا نمیرند ولیکن از سرای فانی به سرای باقی نقل کنند. دیگر باره چشم بر هم نهاد. وی را برداشتم و دفن کردم (نصرالله ترمذی، ۱۰۴۲: ۲۱۷؛ همو، ۱۳۹۶: ۲۸۷).

در حکایات الصالحین:

تَبَسَّمَ فِي وَجْهِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: سُبْحَانَ اللَّهِ، إِنْ كُنْتَ مَيِّتًا فَغَمَّضْ عَيْنَاكَ وَاتْرُكْ

التَّيْسُ وِإِنْ كُنْتَ حَيًّا فَاجْلِسْ جَالِسًا، فَقَالَ لِي: يَا شَيْخُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ وَ إِنَّمَا يَنْتَقِلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ، ثُمَّ أَعْمَضَ عَيْنَيْهِ. فَبَكَيْتُ حِينَئِذٍ عَلَيْهِ (حكايات الصالحين، ۱۲۸۲: ۹۲).

و آغاز حکایت دوم نیز در نسخ دیگر چنین است:

در مواضع الفردوس:

پیر عبادانی گفت: وقتی به عباد[ان] جوانکی بود متعبد و سخت بسامان. ناگاه فرمان حق در رسید. تابستان بود و آفتاب گرم تافته. اندیشیدیم که هوا سخت گرم است، ساعتی توقف کنیم تا نماز پیشین در گذرد و هوا خنک تر شود. زمانی بود. خواب بر من غلبه کرد (مواضع الفردوس، ۷۵۰: ۲۷۷-۲۷۶).

در جامع الحکایات:

شیخ عبدالله عبادانی رحمه الله [علیه] گفت: وقتی به عبادان جوانی بود نام او عبدالغفار. سخت پارسا و متعبد و خداپرست بود. ناگاه فرمان حق در رسید. آن جوان از دنیا رحلت کرد. تابستان بود و هوای گرم. گفتم: ساعتی توقف کنید تا نماز پیشین در گذرد و هوا خنک تر شود. در این اندیشه بودم که خواب بر من غلبه کرد (نصرالله ترمذی، ۱۰۴۲: ۲۱۸؛ همو، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

در حکایات الصالحین:

أَنَّ شَيْخًا مِنْ شُيُوخِ عِبَادَانٍ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ شَابٌ مُتَوَرِّعٌ فَمَاتَ فَجَاءَهُ وَ كَانَ يَوْمًا وَ الصَّيْفُ شَدِيدُ الْحَرِّ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَعْسَلَهُ وَ أَذْفَنَهُ بَعْدَ الظُّهْرِ، ثُمَّ تَرَكْتُهُ حَتَّى يَبْرَدَ الْهَوَاءُ، فَنِمْتُ (حكايات الصالحين، ۱۲۸۲: ۹۳).

نتیجه گیری

۱. کتاب پند پیران علاوه بر نسخه محفوظ در موزه بریتانیا به شماره Or. 3207، نسخه های خطی دیگری هم دارد، از جمله نسخه شماره M.C.Y.K.327 محفوظ در کتابخانه آتاتورک استانبول که در ۷۵۰ق کتابت شده و نام کتاب در ترقیمه نسخه «مواضع الفردوس» آمده است. برخی نسخ دیگر پند پیران با نام «مناقب الأولیاء» است و شگفت آن که به ملاحسین واعظ کاشفی منسوب شده است؛

۲. نصرالله بن شهرالله ترمذی در قرن دهم یا یازدهم هجری پند پیران را بازنویسی کرده و به نام جامع الحکایات به خود بسته است؛
۳. یکی از عالمان عصر فتحعلی شاه قاجار به نام شیخ غلامرضا آران‌ی کاشانی کتابی به نام «قلائد اللآلی» را در شرح جامع الحکایات نصرالله ترمذی تألیف کرده است؛
۴. کتاب حکایات الصالحین ترجمه عربی پند پیران است، اما نام مترجم و زمان ترجمه معلوم نیست، لکن یقیناً پیش از ۱۰۶۰ ق بوده است. ما هیچ دست‌نوشته‌ای از این کتاب نمی‌شناسیم، اما چاپ سنگی آن را (لاهور: مطبع افصل، ۱۲۸۲: ۱۰۸) در اختیار داریم؛
۵. حبیب رکن‌الدین پهواری قریشی در شبه‌قاره هند حکایات الصالحین عربی را در ۱۰۶۰ ق به فارسی ترجمه کرده است.
۶. از آنجا که ربیع‌المکرین تألیف ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری (متوفی: ۴۲۷ ق) یکی از منابع پند پیران بوده است، می‌توان احتمال داد که پند پیران پس از ۴۲۷ ق تألیف شده باشد؛
۷. کتاب پند پیران در دست‌نوشته‌های گوناگون به نام‌های «مواعظ الفردوس»، «مناقب الأولیاء»، «جامع الحکایات» و «حکایات الصالحین» آمده است. اینکه نام اصلی آن چه بوده است هنوز برای ما نامعلوم است، اما می‌توان احتمال داد که نام اصلی آن «حکایات الصالحین» و نام نویسنده آن «شیخ عثمان بن عمر الکهف» باشد؛
۸. پند پیران براساس نسخه محفوظ در موزه بریتانیا تصحیح و منتشر شد. این دست‌نوشته ضبط‌های نادرستی دارد و به همین دلیل علی‌رغم دقت‌های مصحح، باز اغلاط فراوانی در متن راه یافته است. با استفاده از نسخه‌های «مواعظ الفردوس»، «مناقب الأولیاء»، «جامع الحکایات» و «حکایات الصالحین» تصحیح مجدد پند پیران ضرورت دارد.

منابع

- آرانی کاشانی، شیخ غلامرضا. (۱۲۴۹ق). *تَلاَئِدُ اللَّائِلِی* [شرح جامع الحکایات]. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه شماره ۲۲۳۸.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۳۵۵). *الدَّریعَةُ إِلَى تَصَانِیفِ الشَّیْخِ*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ابوسعید میدانی، سعید بن احمد. (۱۳۸۲). *الْأَسْمَى فِی الْأَسْمَاءِ*. تحقیق، تصحیح، مقدمه، اضافات و تعلیقات جعفر علی امیدی نجف آبادی. چاپ ۲. تهران: اسوه.
- ابوسعید سبزواری، حسن بن حسین. (۱۰۴۲ق). *مَصَابِیحُ الْقُلُوبِ*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه شماره ۱۷۷۹۲.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۲). مقدمه بر: *هزار حکایت صوفیان و...*، نسخه مورخ ۸۸۳ق و به چندین خط، گنجینه نسخه برداران متون فارسی. نسخه برداران ایرج افشار، محمود امیدسالار، تهران: انتشارات طلایه.
- بهار، ملک الشعرا. (۱۳۸۹). حواشی بر: *تاریخ سیستان*. تهران: اساطیر.
- پند پیران. (۱۳۵۷). تصحیح جلال متینی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ترجمه تفسیر طبری. (۱۳۵۶). تصحیح حبیب یغمایی. چاپ ۲. تهران: توس.
- حاج منوچهری، فرامرز. (۱۳۸۸). «ثعلبی، ابواسحاق». *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱۷. صص ۵۱-۴۶.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۱۹۴۱). *كَشَفُ الظُّنُونِ عَنِ الْأَسْمَى الْكُتُبِ وَالْفُنُونِ*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حائری، عبدالحسین. (۱۳۷۴). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. جلد ۲۲. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حسینی اشکوری، سید جعفر. (۱۳۹۱). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*. جلد ۴۹. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حکایات الصالحین*. (۱۲۸۲ق). به فرمایش تاجران اهل الله احمد جامی و عبدالعزیز و فقیر الله و به اهتمام سید فصل شاه. لاهور: مطبع افصل. ۱۰۸ص [چاپ سنگی].
- «حکایات فی کرامات الأولیاء و غیرهم». (۱۳۵۴). *در مَنْتَخَبِ رَوْنَقِ الْمَجَالِسِ وَبُسْتَانِ الْعَارِفِینِ وَتَحْفَةُ الْمُریدِینِ*. به کوشش احمد علی رجایی [بخارایی]. تهران: دانشگاه تهران.
- الحَمَوِی الرومی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله. (۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م). *مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ (ارشاد الأریب الی معرفه الأدیب)*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الاسلامی.

۱۲۰ / پندِ پیران، معرفیِ دست‌نوشته‌ها و تحریرِ تازه و ترجمهٔ عربیِ آن / ندیمی رهندی و ...

خزلی، مسلم؛ سبزیان‌پور، وحید. (۱۳۹۴). «جستاری در شناخت مآخذ پند پیران». *ادیان و عرفان*. ۱۹(۴۸). صص ۴۷-۱۹.

_____ (۱۳۹۵). «مآخذشناسی حکایات زاهدان و صوفیان قرن اول و دوم هجری. مطالعهٔ موردی: کتاب پند پیران». *عرفانیات در ادب فارسی*. ۷(۲۶). صص ۹۸-۶۰. خزلی، مسلم؛ محمدی رایگانی؛ آرمان. (۱۳۹۵). «کنکاشی در منابع عربی حکایات زنان زاهد و عابد در کتاب پند پیران». *زبان و ادبیات عربی*. ۱۴(۱). صص ۹۶-۸۵. دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷). *روزبهان‌نامه*. تهران: سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی. _____ (۱۳۴۸). *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرست‌وارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا. (۱۳۹۶). *مقدمه بر: جامع الحکایات*. سبحانی، توفیق. (۱۳۷۳). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شروانی، جمال خلیل. (۱۳۶۶). *نُزْهَةُ الْمَجَالِسِ*. تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: زوار. صص ۱۴۶-۱۳۷.

الطَّرازِی، نصرالله مبشر. (۱۹۶۶): *فهرسُ الْمَخْطُوطَاتِ الْفَارْسِیَةِ الَّتِیْ تَقْتَنِیْهَا دَارُ الْکُتُبِ حَتَّى عَامِ ۱۹۶۳ م*. القاهرة: مطبعة دار الکتب (چاپ افست: تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۱۳۸۷ با عنوان «فهرست کتب خطی فارسی در مصر»).

الفاریابی، محمودبن احمد. (۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰م). *تهذیبُ خَالِصَةِ الْحَقَائِقِ وَنَصَابِ غَايَةِ الدَّفَائِقِ*. هَذَبَةُ وَخَرَجَ أَحَادِیْثُهُ مُحَمَّدٌ خَیْرُ رَمْضَانَ یُوسُف. بیروت: دار ابن حزم.

قزوینی، محمد. (۱۳۸۵). *حواشی بر: تاریخ جهان‌گشای جوینی*. چاپ ۴. تهران: دنیای کتاب. لسترنج، گای. (۱۳۹۰). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمهٔ محمود عرفان. چاپ ۸. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

متینی، جلال. (۱۳۵۷). *مقدمه بر: پند پیران*. مردیت اونس. (۱۳۴۴). «نسخه‌های خطی فارسی موزهٔ بریتانیا». ترجمهٔ ایرج افشار. *نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۴. صص ۶۹۴-۶۴۹.

مشار، خانابا. (۱۳۵۰). *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*. تهران: مؤلف. منزوی، احمد. (۱۳۶۵). *فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان*. جلد ۶. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۶، شماره ۳۸، پاییز ۱۴۰۳ / ۱۲۱

_____ (۱۳۸۲). فهرست‌واره کتاب‌های فارسی. جلد ۸. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

مواظظ الفردوس. (۷۵۰ق). استانبول: کتابخانه آتاتورک. نسخه شماره M.C.Y.K.327.

میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۹۴). جنگ رباعی. تهران: سخن.

ندیمی هرندی، محمود؛ عطائی کچوئی، تهمنه. (۱۳۹۶). «تصحیح چند خطا در آثار چاپی سنایی غزنوی». آینه میراث. ۱۵(۲). صص ۱۰۱-۱۱۶.

نصرالله ترمذی، ابن شهرالله. (۱۳۹۶). جامع الحکایات (دویست حکایت در احوال پارسایان). گزینش و تصحیح علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: حقیقت.

_____ (۱۰۴۲ق). جامع الحکایات. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه شماره ۱۷۷۹۲.

نوشاهی، عارف. (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از ۱۱۹۵ تا ۱۳۲۸ق (۱۷۸۱ تا ۲۰۰۷م). تهران: میراث مکتوب.

Bloch, Edgar. (1905). *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque nationale (tome premier N^{os} 1-720)*. Paris: Bibliothèque nationale.

Bloch, Edgar. (1934). *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque nationale (tome quatrieme N^{os} 2018-2481)*. Paris: Bibliothèque nationale.

Browne, Edward G. (1922). *A supplementary hand-list of the Muhammadan manuscripts, including all those written in the Arabic character, preserved in the libraries of the University and colleges of Cambridge*. London: Cambridge University press.

Edwards, Edward (1922). *A catalogue of the Persian printed books in the British Museum*. London: the British Museum.

Meredith-Owens, G. M. (1968). *Hand-list of Persian manuscripts (1895-1966)*. London: Trustees of the British Museum.

Rieu, Charles (1895). *Supplement of the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*. London: the British Museum.

Sachau, Eduard and Hermann Ethe (1889): *Catalogue of Persian, Turkish, Hindûstânî, and Pushtû Manuscripts in the Bodleian Library*. Oxford: Oxford University Press.

Storey, C. A. (1935). *Persian Literature (A Bio-Bibliographical Survey)*. volume I. section II. fasciculus 1. (General History, The Prophets and earli Islam). Lodon: Luzac.

Storey, C. A. (1972). *Persian Literature (A Bio-Bibliographical Survey)*. volume I. (Qur'anic Literature, History and Biography). Part 2 (Biography, Additions and Corrections). Lodon: Luzac.

References

- AbuSa`d Meydani, S. (2003). *al-Asma fi al-Asma`*. Edited by J. A. Omid Najafabadi. Tehran: Osve Publication. [in Persian]
- AbuSa`id Sabzevari, H. (1632). *Masibih al-Gholub*. Manuscript dated 1042 A.H. Preserved in The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. No. 17792. [in Persian]
- Afshar, I. (2003). Introduction to: *Hizār Hekāyat-i Sufiyān va ... Omonymous classical text related to sufic tales*. Editors: M. Omidzalar & I. Afshar. Funding by Society for Promotion of Persian Culture (S.P.P.C.), Indiana, Tehran: Talaye Publication. [in Persian]
- Al-Faryabi. M. (2000). *Tahzib Khalesat al-Haghaegh va Nesab Qayat al-Daghaegh*. Edited by M. Kh. R. Yusof. Beirut: Dar Ibn Hazm Publication. [in Arabic]
- Al-Hamavi al-Rumi, Sh. (1993). *Mo`jam al-Odaba` (Ershad al-Arib ela Ma`refat al-Adib)*. Edited by E. Abbas. Beirut: Dar Al-Qarb Al-Eslami Publication. [in Arabic]
- Al-Terazi, N. M. (1996). *Fihris al-makhtūṭāt al-Fārisīyah allatī tuqtanīhā Dār al-Kutub ḥattā `ām 1963*. Cairo: Dar Al-Kotob. [in Arabic]
- Anonymous Writter (1349). *Mavā`z al-Ferdows*. Manuscript dated 750 A.H. Preserved in The Library of the Ataturk. No. M.C.Y.K.327. [in Persian]
- Anonymous Writter (1975). *Hekayat fi Keramat al-Awliya*, in: *Montaxab-e Raunaq Al-Majales va Bostan Al-Arefin va Tohfāt Al-Moridin*, Edited by A. A. Raja`i, Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Anonymous Writter (1977). *Tarjome-ye Tafsir-e Tabari*. Edited by H. Yaghmayi. Tehran: Toos Publication. [in Persian]
- Anonymous Writter [probably: Othman ebn Omar al-Kahf] (1865). *Hekāyāt al-Sālehin*, Lahore: Matba` Afsal (lithography). [in Arabic]
- Anonymous Writter [probably: Othman ebn Omar al-Kahf] (1979). *Pand-e pirān*, [Probably the original name: *Hekāyāt al-Sālehin*], Edited by J. Matini, Tehran: The Foundation for Iranian Culture. [in Persian]
- Aqabozorg Tehrani, M. M. (1976). *Al-Zari`a ela Tasanif-e al-Shi`a*. Qom: Esma`iliyan Publication. [in Arabic]
- Arani Kashani, Gh. (1833). *Ghalaed al-Layali*. Manuscript dated 1249 A.H. Preserved in The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. No. 2238. [in Persian]
- Bahar, M. (2010). *Annotation to the Tarikh-e Sistan*. Tehran: Asatir Publication. [in Persian]
- Bloch, Edgar. (1905). *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque nationale (tome premier N^{os} 1-720)*. Paris: Bibliothèque nationale.

- Bloch, Edgar. (1934). *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque nationale (tome quatrième N^{os} 2018-2481)*. Paris: Bibliothèque nationale.
- Browne, Edward G. (1922). *A supplementary hand-list of the Muhammadan manuscripts, including all those written in the Arabic character, preserved in the libraries of the University and colleges of Cambridge*. London: Cambridge University press.
- Daneshpazhooh, M. T. (1968). *Ruzbehannama*. Tehran: Anjoman-e Asār-e Melli Publication. [in Persian]
- Daneshpazhooh, M. T. (1969). *List of microfilms of Central Library of University of Tehran*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Derayati, M. (2010). *Short Catalogue of Iranian Manuscripts*. Tehran: The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Persian]
- Edwards, Edward (1922). *A catalogue of the Persian printed books in the British Museum*. London: the British Museum.
- Ghazvini, m. (2006). Annotation to the Tarikh-e Jahangoshye Jovayni. Tehran: Donya-ye Ketab Publication. [in Persian]
- Haeri, A. (2012). *The Manuscripts Catalogue of the Islamic Consultative Assembly Library*, Volume 22, Tehran: The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Persian]
- Haj Manuchehri, F. (2009). "Tha'l'bi, AbuEshagh". *The Great Islamic Encyclopaedia*. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia. Volume 17. Pages 46-51. [in Persian]
- Haji Khalifa, M. (1941). *Kashf al-Zonun an Asami Al-Kotob va Al-Fonun*, Edited by M. Yaltaqaya & R. Bilke Alkisi, Beirut: Dar Ehya' al-Toras al-Arabi Publication. [in Arabic]
- Hosseini Eshkevari, S. (2012). *The Manuscripts Catalogue of the Islamic Consultative Assembly Library*, Volume 49, Tehran: The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Persian]
- Khezeli, M. & Mohammadi Raygani, A. (2016b). "Digging into the Arabic sources of stories of ascetic and ascetic women in the book Pand-e Pirān", *Arabic Language and Literature Journal*, Spring & Summer, Volume 14, Pages 85-96. [in Persian]
- Khezeli, M. & Sabzianpoor, V. (2015). "A study in identifying the sources of the work (pand-e pirān)", *Religions and Mysticism*, Volume 48, Issue 1, Serial Number 1, Spring & Summer, Pages 19-47. [in Persian]
Doi: [10.22059/jrm.2015.55567](https://doi.org/10.22059/jrm.2015.55567)
- Khezeli, M. & Sabzianpoor, V. (2016a). "Etymology of stories of ascetics and Sufis of the first and second centuries of Hijri. Case study: *Pand-e pirān*" *Erfaniyat Dar Adabe Farsi*, Volume 7, Issue 26, Pages 60-98. [in Persian] URL: <http://erfaniyat.iauh.ac.ir/article-1-259-fa.html>

- Le Strange, Guy (2011). *Jughrāfiyā-yi tārikhī-i sarzamīnhā-yi khilāfat-i sharqī*. Translated by. M. Erfan. Tehran: Elmi va Farhangi Publication. [in Persian]
- Matini, J. (1979). Introduction to: *Pand pirān*, Tehran: The Foundation for Iranian Culture. [in Persian]
- Meredith-Owens, G. M. (1968). *Hand-list of Persian manuscripts (1895-1966)*. London: Trustees of the British Museum.
- Mir Afzali, A. (2015). *Jong-e robayi*, Tehran: Soxan Publication. [in Persian]
- Monzavi, A. (1986). *A Union Catalogue of Persian manuscripts in Pakistan*, Islamabad: Iran-Pakistan institute of Persian Studies. [in Persian]
- Monzavi, A. (2003). *Fihristvāre-yi kitābhā-yi Fārsī*. Volume 8. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia. [in Persian]
- Moshar, Khanbaba (1971). *Fihrist.i Kitābhā-yi chāpī-yi Fārsī*. Tehran: Mo'allef. [in Persian]
- Nadimi Harandi, M. & Ataei Kachuei, T. (2018). "The correction of a few errors in the works of Sanā'i of Ghazneh", Volume 15, Issue 2 - Serial Number 61, March, Pages 101-116. [in Persian]
Doi: [10.22108/rpl.2024.140240.2317](https://doi.org/10.22108/rpl.2024.140240.2317)
- Nasrollah Termazi, E. (). *Jame' al- Hekayat*, Edited by A. Zekavati Qaragozloo, Tehran: Haghighat Publication. [in Persian]
- Nasrollah Termazi, E. (1632). *Jame' al- Hekayat*. Manuscript dated 1042 A.H. Preserved in The Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. No. 17792. [in Persian]
- Naushahi, A. (2012). *Kitāb shināsi-yi āthār-i Fārsī-yi chāp shuda dar shibh-i Qāra*, (Hind, Pākistān, Banglādish), Tehran: Miras-e Maktoob Publication. [in Persian]
- Rieu, Charles (1895). *Supplement of the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*. London: the British Museum.
- Sachau, Eduard and Hermann Ethe (1889): *Catalogue of Persian, Turkish, Hindūstānī, and Pushtū Manuscripts in the Bodleian Library*. Oxford: Oxford University Press.
- Sadeghi, M. (2017). "Pache-ye Rikhte, An Unknown Compound in Pand-e Pirān", *New Literary Studies*, Volume 49, Issue 4 , Serial Number 195, Pages 137-146. [in Persian] Doi: [10.22067/jls.v49i4.61756](https://doi.org/10.22067/jls.v49i4.61756)
- Sharvani, J. Kh. (1987). *Nozhat al-Majales*. Edited by M. Riyahi, Tehran: Zavvar Publication. [in Persian]
- Sobhani T. H. (1994). *Catalogue of Persian manuscripts in the libraries of the Turkiye*, Tehran: Iran University Press. [in Persian]
- Storey, C. A. (1935). *Persian Literature (A Bio-Bibliographical Survey)*. volume I. section II. fasciculus 1. (General History, The Prophets and earli Islam). Lodon: Luzac.

Storey, C. A. (1972). *Persian Literature* (A Bio-Bibliographical Survey). volume I. (Qur'anic Literature, History and Biography). Part 2 (Biography, Additions and Corrections). Lodon: Luzac.

Zekavati Qaragozloo, A. (2017). Introduction to *Jame` al- Hekayat*, Tehran: Haghghat Publication. [in Persian]



©2024 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons [Attribution-NonCommercial 4.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



Pand-e Pirān, introducing its manuscripts and its newly rewritten and its Arabic translation¹

Mahmood Nadimi Harandi², Tahmine Ataei Kachuei³

Received: 2024/06/08

Accepted: 2024/08/22

Abstract

The book of Pand-e Pirān was edited based from a manuscript preserved in the British Museum by Jalāl Matini and published in 1979. Notably, the title of the book, the author's name, and the date of its composition are not mentioned in the text of the book. In this article, we will first introduce other manuscripts of Pand-e Pirān which are known under the titles of "Mavā'ez al-Ferdows" and "Manāqeb al-Awliyā ". Then, for the first time, we will introduce its rewritten text called "Jame' al-Hekāyāt" which Nasrollāh ibn Shahrollāh Termezi wrote in the 10th or 11th century AH. Of course, because he did not mention anything about the original of the book, but claimed that he collected the anecdotes himself, his work is considered to be plagiarism. In the following, for the first time, we will introduce the Arabic translation of Pand-e Pirān under the name of "Hekāyāt al-Sālehin" and then we will present new information and findings about the original name of Pand-e Pirān and the name of the author and the date of its composition. Finally, by citing examples, we show that using newly known manuscripts, new critical editing of Pand-e Pirān is necessary.

Keywords: Pand-e Pirān, Mavā'ez al-Ferdows, Manāqeb al-Awliyā, Jame' al-Hekāyāt, Hekāyāt al-Sālehin.

1. DOI: 10.22051/jml.2024.47703.2592

2. Assistant Professor, Department of Persian language and literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author): nadimi@pnu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Encyclopaedia of Literary Research, Persian Language and Literature Academy, Tehran, Iran: tataei@apll.ir

Print ISSN: 2008-9384 / Online ISSN: 2538-1997